

آینه

انتخاب

امانتدار رأی مردم باشیم

● فاطمه سعیدی، مهم‌ترین هدف ائتلاف امید چیزی جز دورکردن سایه افراط و تندروی و کارشکنی علیه دولت منتخب ملت نبود. در این پیروزی بزرگ عوامل متعددی دخیل بود که از جمله آنها می‌توان به نحوه مدیریت شورای‌عالی اصلاح‌طلبان توسط دکتر عارف، پابندی اصلاح‌طلبان به اخلاق سیاسی، حمایت همه بزرگان اصلاحات ازجمله آقایان هاشمی و خامنی و البته عملکرد غلط سه مجلس اصولگرای ادوار هفتم، هشتم و نهم اشاره کرد. در طول ایام رقابت‌های انتخاباتی به نیز این رقیب اصولگرا بود که با تمسک به شیوه‌های مخرب و بی‌اخلاقی‌های مداوم مردم را مجاب کردند که به این روحیه غلط «نه» بگویند. در نهایت روز هفتم اسفند سال گذشته و پس از آن در دهم اردیبهشت جاری با حضور گسترده و یکپارچه مردم این لیست امید بود که توانست اکثریت کرسی‌های مجلس دهم را به خود اختصاص دهد. به طور طبیعی پس از پایان انتخابات و روشن‌شدن نتایج آن نوبت گمانه‌زنی درباره فرآکسیون‌ها، اکثریت و اقلیت بودن آنها و وضعیت کرسی‌های حساس مجلس ازجمله ریاست، هیأت‌رئیسه و ترکیب کمیسیون‌های تخصصی و مهم می‌رسد. اگرچه در ۱۲ سال گذشته تمام این گمانه‌زنی‌ها در اختیار اصولگرایان بود و آنها به دلایل مختلف که باید در جای خود بحث و بررسی شود توانسته بودند بر اکثر کرسی‌های مجلس تکیه بزنند اما این‌بار حضور قدرتمند و اکثریتی متنبخان لیست امید باعث شده تا آنها نیز به تکیاو ببقند و از ابزارهای پیدا و پنهانی که در اختیار دارند استفاده کنند تا پس از تقدیم قوه‌مجریه دست‌کم مدیریت قوه‌مقتنه را در ید قدرت خود نگه دارند. در این راه البته چهره‌هایی از لیست امید هستند که با آنها همراه شده‌اند. چهره‌هایی که خود بهتر از هر ناظر سیاسی می‌دانند که اگر در لیست امید قرار نداشتند نه در تهران بلکه در حوزه انتخابیه خود هم رأی کافی برای ورود به مجلس را در اختیار نداشتند… امروز نیز فضای سیاست داخلی ایران به‌شدت متأثر از موضوع ریاست مجلس است. اصلاح‌طلبان به صورت یکپارچه از ریاست دکتر عارف حمایت می‌کنند و اصولگرایان اعم از برجامیان و نابرجامیان به دنبال ریاست دکتر لاریجانی هستند. ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین اصول کار تشکیلاتی حکم می‌کند کسانی که با رأی مردم به لیست امید به مجلس دهم راه یافته‌اند، در فراکسیون امید عضو شده و با پیروی از خرد جمعی فراکسیون، پاسدار امانتی باشند که مردم به اعتبار لیست امید در اختیار آنها قرار داده‌اند.

تاریخ

معضل اصلی صداسویما همچنان باقی است
صادق زیباکلام: چرا سرفراز در مدت کوتاهی بعد از تصدی ریاست صداسویما از این سمت کنار رفت؟ و دوران ریاست وی بر رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران چندان دوام نیافت؟ درباره دلیل یا دلایل رفتن آقای سرفراز از صداسویما چند نظر و فرضیه وجود دارد. نخست اینکه؛ ایشان به لحاظ مدیریتی ضعیف بودند و نتوانستند در این مدت از پس مدیریت سازمان برآیند. اتفاقاتی که در برخی از برنامه‌ها رخ داد و همچنین دورشدن فرهیختگان و نجیبان از صداسویما یکی از دلایل و نشانه‌های ضعف مدیریتی است. دوم اینکه؛ در دوران تصدی آقای سرفراز بر سازمان صداسویما، حاشیه‌های زیادی حول شخص ایشان به وجود آمد. دسته‌کل‌هایی مانند ماجرای آن خانم یا آن آقا و امثالهم… که کم هم نبودند… موجب شد ایشان ناچار به استعفا شوند و در راس سازمان صداسویما جابه‌جایی رخ دهد… این موارد، تعدادی از فرضیاتی است که درباره کناره‌گیری آقای سرفراز از راس سازمان مطرح می‌شود، اما من خودم صرف‌نظر از این روایات، آنچه را درستی می‌دانم، این است که مدیریت سازمان صداسویما خیلی بسته است و ما نمی‌دانیم در آنجا دقیقا چه خبر است؟ و چه کسانی، چه کرده‌اند؟ متأسفانه در سازمان صداسویما گروهی در جمع بسته خودشان تصمیم می‌گیرند و همان را اجرا می‌کنند. با اینکه نول مالیات از سوی جامعه است ولی به کسی، نه به افکار عمومی و نه به دولت و نه مجلس) پاسخ‌گو نیستند. از همان دوران محمد هاشمی، علی لاریجانی، عزت‌الله ضرغامی تا محمد سرفراز، رویه صداسویما همین بوده و هست. به همین دلیل هم رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور مدام رشد کرده‌اند و مخاطب بیشتر جذب کرده‌اند و توانسته‌اند رسانه ملی را با بحران مخاطب روبه‌رو کنند. بنابراین من فکر می‌کنم صرف‌نظر از اینکه آقای سرفراز به چه دلیلی کنار گذاشته شد، مهم این است که معضل اصلی صداسویما که داشتن مخاطب است، همچنان پابرجاست.

خانهای قدیمی نزدیکی‌های چهارراه آب‌سردار که این روزها دستی به سرورویش کشیده‌اند و نونوار شده است، دفتر حزب «زحمتکشان ملت ایران»، هنوز صندلی و میز مظفر بقایی گوشه‌ای از خانه خودنمایی می‌کند، پوسیده و زهوار دررفته. ماشین تحریر خاک‌خورده‌ای که احتمالا دیگر کار نمی‌کند و پنکه قدیمی و در کنارش قاب عکسی از بقایی و آیت‌الله کاشانی، با انبوهی از نسخه‌های روزنامه شاهد، کتاب و خرت‌وپرت‌های دیگر و یک نفر که تقریبا ساکن دائمی خانه است و حامی و نگاهبان این میراث. روی دکتر بقایی هم تعصبی ویژه دارد. از آن فعالان سیاسی دهه ۳۰ و ۴۰، اعضای حزب زحمتکشان، تقریبا کسی باقی نمانده، یکی‌یکی رفته‌اند. جوان‌ترین‌هاشان این روزها دهه‌های هفتم و هشتم عمر را می‌گذرانند و این خانه و آن مقبره خانوادگی بقایی‌ها – که آبان هر سال، سالگره مظفر بقایی، دور هم جمع می‌شوند و از آن روزگار می‌گویند - به نظر تنها پل پیوند با گذشته است. آنها در نوستالژی آنچه‌اند که رفته است. برخلاف اکثریتی که پیونده روزهای ملی‌شدن صنعت نفت و ۲۸ مرداد را بسته‌اند، فارغ از هرگونه قضاوتی، اقلیتی وجود دارد که آنچه را «مبارزه» می‌داند، تمام‌شده نمی‌داند، نفس‌نفس‌زنان در تاریخ دیده و خودش را به لحظه حاضرکشانده است. این اقلیت در برابر اسطوره اکثریت مقاومت می‌کند، به این امید که بالاخره بازی تاریخ را ببرد.

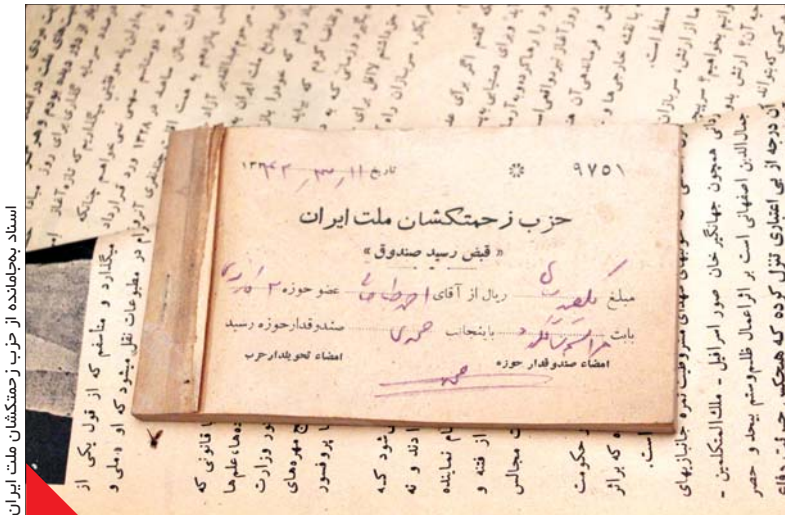
«حبیب صفی‌زاده‌شیبستری»، از همان‌هایی است که در نوجوانی و بعد از کودتای ۲۸ مرداد با بقایی و حزب زحمتکشان آشنا شده و همچنان شیفته است. او در آن خانه قدیمی هم نگهبان میراث بقایی است و هم رابط پیرمردان قدیمی حزب با هم. از دکتر «حمید سیف‌زاده»، ساکن کانادا تا دکتر «واعظی» اصفهان‌نشین تا برادران «کاشانی». اگر نشریه یا روزنامه‌ای مطلبی درباره آن روزگار به‌ویژه بقایی بنویسد، «صفی‌زاده» حتما نسخه‌ای از آن را پیدا و در کار حجره از گذشته باقی مانده، مثل فیش و کارت‌های پرداخت حق عضویت، جزوات حزب، فرم عضویت در سازمان نگهبانان آزادی …، نگهداری می‌کند. تا حدود ۱۴ سال قبل که هنوز بازمانده‌های حزب زنده بودند، به رسم زمان دکتر«بقایی»، چهارشنبه‌ها دور هم جمع می‌شدند، کسانی مثل «حسین بنگدات‌تهرانی» یا «قوایی» که کتابی درباره کاپیتولاسیون نوشته در این جلسات شرکت داشتند. صفی‌زاده می‌گوید: «در آن جلسات از گذشته صحبت می‌شد. اگر حرفی، سندی یا چیزی درباره آن زمان جایی منتشر می‌شد، این‌جا به بحث گذاشته می‌شد، از حوادث خانه سدان زیاد صحبت می‌شد، کسانی که آن سال‌ها در متن اتفاقات و حوادث بودند، بحث و صحبت می‌کردند، متأسفانه من هیچ‌وقت نتوانستم مشروح آن جلسات را ثبت و ضبط کنم».

می‌گوید خانه دکتر بقایی همین نزدیکی بود، تا زمانی که زنده بود و قبل از دستگیری، دوشنبه‌ها صبح و چهارشنبه‌ها ظهر اینجا می‌آمد و دیگران هم می‌آمدند و او به سؤالاتشان جواب می‌داد: «تنها سؤالی که بی‌پاسخ می‌گذاشت درباره اسنادی بود که در صندوق امانات مجلس لاک‌ومهر شده به امانت گذاشته بود. هروقت هم که از او سؤال می‌شد، می‌گفت ۳۰ سال بعد از مرگ من اینجا را منتشر کنید. زودتر نه». این‌طور که شبستری می‌گوید باید آید آینده به وصیت بقایی عمل شود و لاک و آمِد و دیگران صندوق امانات به امانت گذاشته، شکسته و اسناد منتشر شود. البته اگر چیزی درون صندوق موجود باشد. براساس اخباری که چند سال قبل منتشر شد، چیزی از اسناد بقایی درون صندوق امانات مجلس نیست. گویا مفقود شده یا اتفاقی دیگر برای آن افتاده یا اصلا از ابتدا وجود نداشته است!

«صفی‌زاده» می‌گوید وصیت‌نامه دکتر «بقایی» همین‌جا خوانده شد. همان سخنرانی معروف در تاریخ دوم دی ماه ۵۸. به میز پشت سرش اشاره می‌کند و می‌گوید، آنجا پشت آن میز نشسته بود و چون جای نبود، یادِ هست که من روی زمین نشسته بودم. سؤال می‌کنم آن روز حسن آیت الله دکتر بقایی می‌گوید: «حسن آیت از آن روزی که اخراج شد، با وجود اینکه علقه‌هایش را حفظ کرده بود، اما رابطه تشکیلاتی نداشت. او دنبال مبارزه مسلحانه بود، اما حزب دنبال مبارزه قانونی. او و دکتر بقایی یک‌بار در جمعی در خانه فردی به اسم آقای موسوی‌زادگان و در حضور پدر دکتر شریعتی و چند نفر دیگر، اتفاقی هم را ملاقات می‌کنند».

او می‌گوید چون شنش از همه کمتر بود، خودبه‌خود گردش کار ساختمان دست او افتاده است: «بعد هم که هر سال یکی، دو نفر از این ریش‌سفیدان فوت می‌کردند و تعدادشان دیگر به حداقل رسید و باقی‌مانده‌ها هم دیگر توان آمدن نداشتند. در نتیجه من تنها کسی بودم که گاه‌گاه سری به این ساختمان می‌زدم. تا اینکه اخیرا بیشتر وقتم اینجا می‌گذرد. از خانه و زندگی خودم گذشته‌ام و وقتم را به کارهای اینجا می‌گذرانم. برای همین خیلی وقت‌ها من را فردی غیرعادی می‌دانند، درحالی‌که من احساس وظیفه می‌کنم. کسی به من حقوقی نمی‌دهد». او در پاسخ به این سؤال که دنبال

سیاست



به بهانه سالروز تأسیس حزب زحمتکشان ملت ایران

گزارش اقلیت

مهساجزینی

چه هستیید، می‌گویید: «هدف بازمانده‌ها این است که حزب را از تهمت‌های ناجوانمردانه‌ای که در این سال‌ها به حزب زحمتکشان زده شده است پاک‌سازی کنند. نه دنبال مدال‌اند، نه احسنت و تشویقی و نه دیگر امکان و بیهیای برای فعالیت سیاسی دارند. هدفشان این است که وضعیت سال‌های بحرانی اواخر دهه ۲۰ و اوائل دهه ۳۰ روشن شود». معتقد است که از دهه ۷۰ به این سو کم‌کم حقایق روشن شده و دیگر کسی حزب زحمتکشان را به حزب «چاقوکشان» نمی‌شناسد. سؤالم از او این است که طرفداری‌اش از مظفر بقایی تا چه اندازه مستند و منطقی و تا چه اندازه برجسته از احساس و علقه و پیوند عاطفی است؟ می‌گوید: «در تاریخ به خیلی‌ها ظلم شده، ازجمله مظفر بقایی. آن همه تهمت و افترایی که در اواخر دولت مصدق به دکتر بقایی زدند، اگر کوه بود خرد شده بود؛ اما او به خاطر اعتقاداتش ایستاد». یادش می‌آید که یک روز از دکتر باستانی‌ریزی پرسیده بود که چرا هیچ‌وقت درباره بقایی مطلبی نمی‌نویسد و باستانی‌پاریزی تصور کرده بوده او همشهری بقایی است که این‌طور از او دفاع می‌کند. «صفی‌زاده» می‌گوید وقتی فهمید اهل شبرستم، با آن قد بلندش از بالا نگاهی به من انداخت و گفت: «ماشاءالله به‌شدت دکتر بقایی که از شبستر هم برای خودش مرید جمع می‌کند». اما او معتقد است که ماجرای مرید و مراد بازی نیست، با هیجان خاصی دستهایش را بلند می‌کند و می‌گوید: «فقط می‌خواهیم که حقایق سال‌های ۲۷ تا ۳۴ که اینجا خوابیده است، روشن شود».

ریش‌ها

«مظفر بقایی‌کرمانی» در تاریخ منتقد کم ندارد. از روشنفکران، سیاسیون ملی، توده‌ای‌ها، همه منتقد عملکرد او هستند. این را از صفی‌زاده هم می‌پرسم که چرا باوجود تمامی نکات مثبتی که او برای زندگی سیاسی او بر می‌شمرد؛ تاریخ این همه علیه اوست. قبل از اینکه پاسخ من را بدهد، می‌گوید شاید شما جواب من را حامل بر تعصب بگذارید؛ اما دکتر بقایی آدم خالصی بود. بعد هم به نقل‌قولی از کاشانی اشاره می‌کند: «آن زمان شیخ محمود حلبی، رئیس انجمن حجتیه، به آیت‌الله کاشانی می‌گوید این‌ دکتر بقایی که ریش می‌تراشد و اهل نماز هم نیست؛ اما آیت‌الله کاشانی می‌گوید ما از او اقتدار سیاسی می‌خواهیم، نه نماز و روزه». ۶۵ سال قبل، چهارشنبه‌زوری در روزنامه شاهد اعلانی تحت عنوان «اخطار مهم» به امضای مظفر بقایی به چاپ رسید که تأسیس حزب «زحمتکشان ملت ایران» را بویود می‌داد. فردای همان روز و در همان روزنامه، اساسنامه موقت حزب زحمتکشان و بیانیه آن منتشر شد؛ و روزنامه شاهد، ارکان حزب نامیده شد. شعار حزب این بود «ما برای راستی و آزادی قیام کرده‌ایم» گفته می‌شود این شعار از آن عیسی سیه‌پدی بود که رابط‌های نزدیک با بقایی داشت. بانجه‌بان، بقایی، زهری و سیه‌پدی، از مؤسسان حزب بودند. در اساسنامه موقت حزب، هدف از تشکیل آن اولاً پشتیبانی از جبهه ملی و ثانیاً تثبیت هدف‌های خاص طبقات محروم کشور اعلام شده بود. این‌البته آرمان حزب بود؛ ولی به نظر می‌رسد آنچه مظفر بقایی و خلیل ملکی را در ادامه کار به همکاری با هم کشانده بود، از یک سو حمایت از مصدق و نهضت ملی‌کردن صنعت نفت و دوم تضاد با حزب توده بود. البته پیش از «زحمتکشان» مظفر بقایی تجربه یک کار تشکیلاتی دیگر را هم داشت. سازمان نگهبانان آزادی. درنهایت به نظر می‌رسد عامل اول، یعنی حمایت از مصدق، انگیزه بیرونی و عامل دوم یعنی تضاد با توده‌ای‌ها انگیزه درونی بقایی و ملکی در تأسیس حزب زحمتکشان بود. حزب توده که ملکی به‌تازگی از آن بریده و انتقادات صریحی نسبت به عملکرد آن، به‌ویژه در ماجرای پیشه‌وری و امتیاز

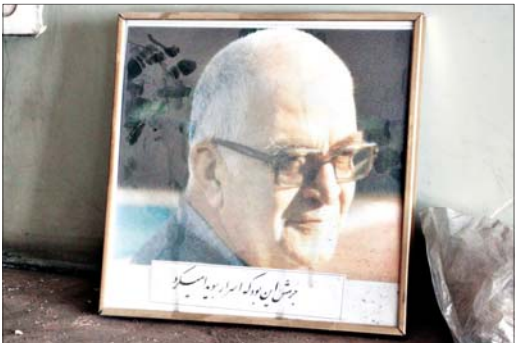
کوتاه بعد از ملی‌شدن صنعت نفت تا بعد از کودتا محدود شد. اگرچه توانست در سال ۴۱ کنگره‌ای در اصفهان برگزار کند اما ادامه‌دار نبود. طرز تاریخ این بود، حزبی که علم مخالفت با مصدق را برداشته بود، در رفتن او هم هیچ طرفی نیست، می‌توان گفت بین فرازوفرو د حزب زحمتکشان با فرازوفرو د دولت مصدق رابط‌ای مستقیم وجود داشت. گویا سرنوشت مصدق و بقایی با هم گره خورده بود. بقایی دو سال اول دولت زاهدی در تبعید بود. علاء، شریفامامی و امینی هم آمدند و رفتند ولی فضای برای فعالیت حزب و بازی در قدرت فراهم نشد. در دولت شریفامامی حزب زحمتکشان تلاش زیادی برای ورود به مجلس کرد اما موفق نشد. گفته شد که در اواخر رژیم پهلوی حزب زحمتکشان این شانس را داشت که دوباره به عرصه سیاست بازگردد. شاشی برای نخست‌وزیرشدن بقایی وجود داشت اما مشخص نیست که باوجود برخی توصیه‌ها چرا این اتفاق عملی نشد.

حزب زحمتکشان در سال ۵۷ توانست مجوز فعالیت بگیرد اما به نظر می‌رسد برای زحمتکشان و بقایی دیگر خیلی دیر شده بود. مبارزان حزبی دوران میان‌سالی خود را می‌گذرانند. ایده‌های حزب برای حزب زحمتکشان باقی نمانده‌اند. برای همین یک‌سال بعد بقایی اعلام بازنشتگی سیاسی کرد. در همان خانه نزدیک چهارراه آب‌سردار باقی‌مانده‌های حزبی را جمع و سه‌ساعت سخنرانی کرد. آن سخنرانی به‌نوعی اعلام بازنشتگی سیاسی حزب زحمتکشان بود. بعد از آن سخنرانی و دوبار دستگیری در بعد از انقلاب که آخرین آن بعد از بازگشت از سفر به آمریکا صورت گرفت، عملاً حزب زحمتکشان هم تعطیل شد. نه بقایی برای خود جانشینی تعیین کرد و نه حزب تمایلی به ادامه جدی راه داشت. آنها که باقی مانده بودند، در همان ساختمان چهارراه آب‌سردار چهارشنبه‌ها دور هم جمع می‌شدند و گپی می‌زدند.

آرمان‌های ناکام

حزب زحمتکشان به آرمان‌هایی که در سر داشت نرسید. بخشی از آن شاید به عملکرد و اهداف خود دکتر بقایی بازمی‌گشت و بعد هم اشعاب افرادی که قرار بود در کنار مظفر بقایی آرمان‌های حزب را جلو ببرند. اختلاف با مصدق که به درون حزب زحمتکشان کشید و در سرنوشت آن بی‌تأثیر نبود. ابتدا ملکی و آل‌احمد جدا شدند و بعدا حیدر رقابی مصدقی تندوتیز و شاعر ترانه «مرا بیوس». حزب را از آن به‌بعد خود مظفر بقایی بود که جلو می‌برد، نه چهره شاخصی تولید می‌کرد و نه جذب. ماجرای حسن آیت و حکایت پیوستن و جدایشان او و نامه مطولش به بقایی در نقد عملکرد حزب زحمتکشان هم به ۴۰ دادرسانی دارد. برای همین تحلیل عملکرد حزب زحمتکشان را نمی‌توان از شخصیت اول حزب یعنی مظفر بقایی جدا کرد؛ شخصیتی که تاریخ دآوری‌های مختلفی درباره او دارد. یکی از دلایل پیچیدگی عملکرد بقایی و حزب زحمتکشان به روابط گسترده و متنوع بقایی و مواضعی این بود که معتقد بود مصدق قصد برانداختن

می‌رسد برمی‌گردد؛ از دوستی با احمد فردید تا صادق هدایت و پاکروان، رئیس بعدی ساواک و حتی منصور رفیع‌زاده، عضو حزب و نماینده ساواک در آمریکا. اما این روابط برای بقایی مصونیت نمی‌خرد. او بارها دستگیر می‌شود؛ زمان قتل هژیر و ابتدای تشکیل جبهه ملی، زمان مصدق و در جریان قتل افشارطوس، در اواخر سال ۳۹ و در زمان نخست‌وزیری امینی. او در دادگاه از عملکرد خود در برابر مصدق دفاع کرد. متن دفاعیات او بعدا در جزوه‌ای تحت عنوان «چه کسی منحرف شد؟ من یا مصدق؟» منتشر شد. در نهایت بقایی حقوق‌دان توانست از دادگاه حکم تبرئه خود را بگیرد. او بعد از انقلاب هم در سال ۵۹ به اتهام کودتا علیه جمهوری اسلامی و به مدت ۶۶ به‌خاطر ارتباط با ضدانقلاب بار دیگر دستگیر و محاکمه شد. از سویی دیگر، بقایی در دهه ۴۰ از نخستین کسانی است که به لایحه کاپیتولاسیون اعتراض می‌کند و دوبار به شاه نامه می‌نویسد و پیش‌بینی می‌کند که رژیم راهی جز خلع‌ید از سیاست‌مداران کهنه و سپیدن‌سور به دست جناح تازه ندارد. او در نامه‌ای که در اسل ۴۴ می‌نویسد، تلویحا هشدار می‌دهد که در غیر این صورت رژیم در معرض انهدام قرار خواهد گرفت. دومین نامه او برخلاف نامه نخست لحن تندتری داشت. «حسین آبادیان» در کتاب زندگی‌نامه سیاسی «مظفر بقایی» معتقد است که هدف از نگارش این نامه این بود که تنها کسی که می‌تواند از بحرانی‌شدن اوضاع جلوگیری کند همانا شخص دکتر بقایی است. حزب زحمتکشان همین‌طور از مخالفان تشکیل حزب رستاخیز بود. در کنار این مخالفت‌ها اما در سال‌های بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ حزب زحمتکشان از جمله جریان‌هایی بود که به‌درا با دولت آن روز را جشن می‌گرفت. حسین بنکدراست تهرانی در نامه‌ای به تاریخ ۲۱ مردادماه سال ۳۴ خطاب به بقایی می‌نویسد: «روز ۲۸ مرداد مصادف با اول ماه محرم است لذا باید جشن را عصر جمعه ۲۷ گرفت؟ بگیریم یا خیر؟» همه این رخدادها دآوری درباره شخصیت بقایی و عملکرد حزب زحمتکشان را سهل و ممتنع می‌کند. بعد از ۶۰ سال بازی تاریخ پایان ندارد.



آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

انتخاب

- ۴۸ ساعت پس از دیک چنی؛ احمدی‌نژاد در امارات
- اعتراض نمایندگان مجلس به تکذیب تورم از سوی رئیس‌جمهور
- تهران و واشنگتن برای گفت‌وگوی علنی و رسمی موافقت کردند؛ ایران و آمریکا پشت میز مذاکره
- اعتراض شهری به دولت اسلام‌گرای ترکیه
- طرح مجلس برای انتقال سازمان ملل از آمریکا
- تکذیب حضور مقتدی صدر در ایران
- قالیلیاف در اولین اظهارنظر خود در رابطه با حمایت اصلاح‌طلبان از خود؛ اصلاح‌طلبان شورا با نگاه عقلانی به کارآمدی رای دادند

ایران

- هم‌گرایی در دو سوی خلیج‌فارس؛ رئیس‌جمهور ایران و امیر امارات بر خروج بیگانگان از منطقه تأکید کردند
- تمایل آمریکا به مذاکره با ایران از کانال بغداد
- بازرسان آژانس در ایران
- تأکید ایران و پاکستان بر ارتقای سطح مبادلات تجاری
- قالیلیاف در جلسات غیرعلنی شورا گزارش عملکرد می‌دهد
- گفت‌وگوی چهارساعته چنی با پادشاه عربستان
- شمار قربانیان انفجار نینوا به ۵۰ کشته و ۷۰ زخمی رسید
- معاون وزیر بهداشت و درمان اعلام کرد: حمایت دولت از ورود بخش خصوصی در حوزه سلامت

کیهان

- رئیس‌جمهور در دیدار با امیر امارات: بیگانگان می‌روند، همسایگان ماندنی هستند
- معاون وزیر نیرو: تا دو سال دیگر صدرصد مردم از آب آشامیدنی سالم برخوردار می‌شوند
- مدیرمسئول کیهان: مذاکره با آمریکا دست‌دادن با شیطان و رقصیدن با گرگ‌هاست
- وزیر دفاع: پاسخ ایران به هر تهدیدی غافلگیرکننده خواهد بود
- در فروردین‌ماه سال جاری صورت گرفت: یک میلیارد دلار صادرات، دو میلیارد دلار واردات
- عملکرد مالی سه شرکت تابعه وزارت نفت تأیید نشد

جمهوری اسلامی

- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در دیدار اعضای شورای دانشگاه آزاد اسلامی: باید از پسوند اسلامی در دانشگاه آزاد حراست ویژه‌ای به عمل آید
- اختصاص بودجه کلان توسط دولت آمریکا برای دخالت در امور داخلی ایران
- مجلس به فوریت لایحه کاهش سن رأی‌دهندگان رأی نداد
- پیشنهاد گران‌شدن بلیت به شورای عالی هواپیمایی رفت
- پارلمان عراق با ساخت دیوار حائل در بغداد مخالفت کرد
- وزیر دفاع: ارتش آمریکا تاب پاسخ ایران به گزینه نظامی احتمالی را نخواهد داشت

اطلاعات

- احمدی‌نژاد در کنفرانس مطبوعاتی در ابوظبی: پیام سفر من دوستی، وحدت و برادری است
- قالیلیاف: اصولگرای اصلاح‌طلب باقی می‌مانم
- نسوری مالکی مذاکره با احزاب عراق را برای تعیین وزرای جدید کابینه آغاز کرد
- پیام رئیس‌ دولت اصلاحات به همایش پیام‌آوران صلح و دوستی
- صفارهرزندی: فرهنگ دینی پشتوانه موفقیت‌های فرهنگی ایران است
- بحرین خواستار واردات گاز از ایران شد
- مخالف ژنرال پرویز مشرف با اعلام وضعیت فوق‌العاده در پاکستان
- توافق فتح و حماس برای آتش‌بس در نوار غزه
- احتمال وتوی پیش‌نویس قطع‌نامه استقلال کوزوو توسط روسیه
- فرمانده نظامی طالبان در افغانستان کشته شد
- بزرگ‌ترین مانور دریایی ناتو در دریای بالتیک
- ۱۶۸ نماینده در نامه‌ای به رئیس‌جمهور خواستار شدند: اعلام میزان سهمیه‌بندی و تعیین قیمت مناسب برای بنزین آزاد
- وزیر امور اقتصاد و دارایی: تشکیل بخش‌های خصوصی قدرتمند حمایت بانک‌ها را طلب می‌کند